

خیلی‌ها گفتند

با محسن مخلص کار نکن!

سینمایک برزخ و سردرگمی به وجود می‌آورد



کافه خاطره
روزنامه صبا؛ گفت‌وگو
با مرتضی ضرابی
بازیگر و گریمر سینما،
تئاتر و تلویزیون

احمد محمد اسماعیلی
گفت‌وگو

چهره استخوانی، کشیده، خاص و سرد مرتضی ضرابی، این امکان را به او می‌دهد که نقش‌های خاکستری، پیچیده و درون‌گرا را با باورپذیری ایفا کند. او از آخرین نسل بازیگران «کارگاه نمایش» است؛ جایی که هنر تئاتر را آموخت و تجربه‌اندوزی کرد. مرتضی ضرابی در چهار دهه اخیر، به‌عنوان بازیگر و گریمر، حضوری مؤثر در شماری از بهترین آثار سینما و تلویزیون ایران داشته است.

مجموعه «مثل‌آباد»، «جوان سرخورده»، «عاصی و خسته»، فیلم «دستفروش»، «شیطان و ابلیس» با بازی درونی و استیلیزه، سریال «او یک فرشته بود»، نقش بدمین فانتزی در فیلم «دزد عروسک‌ها»، زوج کمدی او با اکبر عبدی در بسیاری از فیلم‌های ابتدایی‌اش، از جمله «ارثیه» و «تحفه هند»، همچنین حضور در مجموعه «امام علی (ع)»، فیلم «فصل پنجم»، سریال «ماجراهای خانه شماره ۱۳»، «آواز تهران»، «سازهای ناکوک»، «آپارتمان شماره ۱۳»، «پرده آخر»، «آتش سرد» و... از جمله آثاری هستند که این بازیگر در آن‌ها نقش آفرینی کرده است. در کافه خاطره این شماره روزنامه صبا با مرتضی ضرابی، مروری کرده‌ایم بر دوران کاری و تجربه‌های هنری او.

○ بعد از چه مدتی توانستید حضور جدی در اجراهای کارگاه نمایش داشته باشید؟

دوره اول آموزش ما سه ماه طول کشید. به‌تدریج تعدادی از افراد گروه جدا شدند و تعداد هنرجویان از حدود سی نفر به ده نفر رسید و این گروه وارد مرحله بعدی آموزش شد. در دوره دوم هم تعدادی از افراد از ادامه مسیر بازماندند و در نهایت پنج نفر باقی ماندیم که توانستیم به شکل جدی‌تر وارد فعالیت‌های اجرایی کارگاه نمایش شویم.

○ چه کسانی جزو این پنج نفر باقی ماندند؟

من، آتیلا پسیانی، علیرضا خسته و حسین محب‌اهری از گروه آربی باقی ماندیم. از گروه‌های دیگر هم تعدادی از هنرجویان با ما اضافه شدند و در مجموع حدود بیست نفر شدیم. اما از این تعداد، عده‌ای کارمند یا دانشجو بودند و نمی‌توانستند تمام‌وقت در اختیار کارگاه نمایش باشند؛ به همین دلیل از ادامه مسیر جدا شدند.

○ اولین نمایشی که بازی کردید، چه اثری بود؟

اولین نمایشی که در آن بازی کردم، «صدای اول» بود که در آن با سیاوش طهمورث هم‌بازی شدم. پس از این اتفاقات، آربی آوانسیان به همراه چهار نفر دیگر، کارگاه نمایش را ترک کردند و گروه تئاتر شهر را تأسیس کردند. در نمایش بعدی نیز با پرویز پورحسینی، محمود کریم‌پور و فریده سپاه‌منصور همکاری کردم.

○ آیا از بیرون کارگاه نمایش هم پیشنهاد بازی داشتید؟

پیشنهاد همکاری از خارج کارگاه نمایش نداشتیم، اما از داخل خود کارگاه، گروه اسماعیل خلج پیشنهاد همکاری داد و در یکی از کارهای این گروه بازی کردم.

○ چقدر حقوق می‌گرفتید؟

اوایل ماهی حدود هزار و خرده‌ای تومان دریافت می‌کردم و بعدها این مبلغ به بیش از سه هزار و پانصد تومان رسید.

○ در سال‌هایی که در کارگاه نمایش حضور داشتید، بهترین کارتان چه نمایشی بود؟

نمایش «حکایت سفرهای آقای راه‌وار» به نویسندگی و کارگردانی اسماعیل خلج، یکی از کارهایی بود که بسیار دوست داشتیم. در این نمایش نقش پیرمردی را بازی می‌کردم. همچنین نمایش «سفر در خواب» به کارگردانی خلج نیز از آثار موفق بود که تجربه ارزشمندی برای من به شمار می‌آید و آن را دوست دارم. مدتی هم در گروه «اهریمن آشور پانیبال» حضور داشتیم.

○ آشور پانیبال کارهای جنجالی‌ای را در کارگاه نمایش اجرا کرد و برخی از آن‌ها اعتراضاتی را به وجود آوردند...

بله، برخی از اجراهای گروه اهریمن به دلیل بی‌پروایی در پرداختن به بعضی مضامین، با حاشیه‌ها و واکنش‌هایی همراه شد. من در نمایش «بازی قتل‌عام» نوشته آوزن یونسکو، با گروه اهریمن همکاری کردم. در این نمایش آتیلا پسیانی نیز حضور داشت و بازی می‌کرد.

○ نظرتان درباره سبک کاری آشور پانیبال چیست؟

از کارگاه نمایش حقوق می‌گرفتید؟

خیر، در دوران هنرجویی دستمزدی دریافت نمی‌کردم. پس از پایان دوره و زمانی که وارد کار حرفه‌ای شدیم، کارگاه نمایش با ما قرارداد بست و از آن زمان دستمزد دریافت می‌کردیم.

○ آتیلا پسیانی هم کاری را در کارگاه نمایش با شما شروع کرد؟

بله، آتیلا پسیانی هم از جمله افرادی بود که فعالیتش را در همین فضا آغاز کرد. علیرضا خسته، حسین محب‌اهری، نیاز سلیمی و چند نفر دیگر نیز هم‌دوره من بودند. البته تعدادی از آن‌ها بعد از مدتی، به دلیل ادامه تحصیل یا پیدا کردن شغل مناسب‌تر، این مسیر را رها کردند و از کار فاصله گرفتند.

○ برخی از منتقدان به آربی آوانسیان این نقد را وارد می‌کردند که به بازیگر به چشم وسیله و ابزار در صحنه نگاه می‌کنند. چقدر با این نقد موافقت می‌کنید؟

بازیگر، یکی از ابزارهای مهم برای عینیت بخشیدن به تفکرات نویسنده و کارگردان است. به نظر من، آربی آوانسیان تمام ایده‌ها و بن‌مایه‌های نمایش را در طول تمرین‌ها از دل کار با بازیگر استخراج می‌کرد. او به توانایی‌های پنهان و آشکار بازیگر توجه زیادی داشت و تلاش می‌کرد از تمام ظرفیت‌های او بهره بگیرد و آن‌ها را شکوفا کند.

○ شاید به همین دلیل بود که بازیگر ممتاز و بی‌بدیلی مثل سوسن تسلیمی نزدیک به یک دهه با آربی آوانسیان در تئاتر همکاری کرد...

بله، همین‌طور است. بسیاری دیگر از بازیگران، مانند صدالدین زاهد، فردوس کاویانی و پرویز پورحسینی نیز به شیوه و سبک کاری آربی آوانسیان ایمان داشتند و همکاری خود را با او ادامه دادند.

○ برسیم به حضور شما در کارگاه نمایش. این دوره از چه زمانی آغاز شد؟

همان‌طور که اشاره کردم، من در ابتدا یک تئاترین حرفه‌ای بودم و نخست به‌عنوان تماشاگر وارد کانون تماشاگران کارگاه نمایش شدم. اشتراک یک‌ساله تماشا برای تمام نمایش‌های کارگاه نمایش را تهیه کرده بودم و از نزدیک اجراهای این مجموعه را دنبال می‌کردم. در همان دوران، کارگاه نمایش و گروه بازیگران شهر، پس از اختلافی که میان تعدادی از بازیگران این گروه با آربی آوانسیان پیش آمد و باعث جدایی آن‌ها شد، اطلاعیه‌ای برای پذیرش هنرجو منتشر کردند. من هم در این دوره شرکت کردم و ما در شش گروه مستقل از یکدیگر، آموزش‌های تئاتری را آغاز کردیم.

○ آربی سر تمرینات حضور داشت؟

آربی آوانسیان ناظر تمرینات بود و بر روند کارها نظارت می‌کرد. بیشتر بازیگران گروه بازیگران تئاتر شهر، مانند فردوس کاویانی، صدالدین زاهد، پرویز پورحسینی، سوسن تسلیمی و فریده سپاه‌منصور، در تمرینات با ما کار می‌کردند و تجربیات خود را در اختیارمان می‌گذاشتند. پس از انتقال این تجربه‌ها، از ما در کارهای مختلف استفاده می‌کردند.

○ ادامه کار به چه نحوی بود؟

به‌عنوان مثال، هر تعدادی از هنرجویان را به یک مربی سپرده بودند و هر گروه زیر نظر مربی خود آموزش می‌دید و تمرین می‌کرد.

○ شما با چه کسی کار می‌کردید؟

بیشتر با پرویز پورحسینی، فریده سپاه‌منصور و سیاوش طهمورث کار می‌کردم و از تجربه‌ها و آموزش‌های آن‌ها بهره می‌بردم.

○ آیا زمانی که هنرجو بودید،

○ از شروع فعالیت‌های هنری‌تان در تئاتر آغاز کنیم. این مسیر از چه زمانی شروع شد؟

در دوران متوسطه در رشته بازرگانی تحصیل می‌کردم. همان زمان، به همراه چند نفر از دوستان، گروه تئاتری در دبیرستان تشکیل دادیم و نمایش اجرا می‌کردیم. یکی از نمایش‌های ما در منطقه برگزیده شد و به عنوان گروه برتر، به جشنواره سراسری تئاتر دانش‌آموزی در رامسر راه پیدا کردیم و موفق به کسب مقام شدیم.

پس از آن، زنده‌یاد مصطفی اسکویی برای تشویق برگزیدگان جشنواره رامسر، یک دوره رایگان آموزش تئاتر در مدرسه آناهیتا برگزار کرد. من در این دوره که حدود شش ماه به طول انجامید، شرکت کردم و تجربه‌های ارزشمندی در زمینه تئاتر و تکنیک‌های بازیگری به دست آوردم.

○ در این کلاس‌ها چند نفر حضور داشتند؟

حدود سی نفر در این دوره حضور داشتند و در طول آن، با تئوری‌های متد اکتینگ و دیگر مبانی و اصول تئاتر آشنا شدیم.

○ بعد از گرفتن دیپلم، تئاتر را جدی‌تر دنبال کردید؟

در کلاس‌های آناهیتا، تعدادی از بچه‌ها هم‌زمان در دانشگاه تحصیل می‌کردند و نمایش اجرا می‌کردند. من از طریق آن‌ها برای حضور در سه نمایش دانشجویی که در دانشگاه‌های مختلف روی صحنه رفت، دعوت شدم و در این نمایش‌ها به ایفای نقش پرداختم.

○ آیا دستمزد هم دریافت می‌کردید؟

نه، این‌ها کارهای دانشجویی بود و برای حضور در این نمایش‌ها دستمزدی پرداخت نمی‌شد.

○ تئاتر حرفه‌ای هم تماشا می‌کردید؟

هر نمایشی که امکانش فراهم بود، به تماشا می‌رفتم. تمرکز اصلی من بیشتر روی دیدن نمایش‌های اجرا شده در «کارگاه نمایش» و «تئاتر شهر» بود.

○ سینما چطور؟ علاقه‌ای به دیدن فیلم هم داشتید؟

بله، به سینما هم علاقه زیادی داشتیم. بیشتر دوست داشتم فیلم‌های هنری و آثار متعلق به موج نوی سینمای ایران را ببینم؛ فیلم‌هایی مثل «گاو»، «آرامش در حضور دیگران»، «قیصر»، «پستچی» و... که برای من تجربه‌های ارزشمندی بودند و نگاه تازه‌ای به سینما و شیوه‌های روایت و بازیگری ارائه می‌دادند.

